

جمهوری آذربایجان

چگونگی شکل گیری و وضعیت کنونی آن

نویسنده: محمد امین رسول زاده

ترجمه: تقی سلام زاده

سرشناسه	رسولزاده، محمدامین، ۱۸۸۴ - ۱۹۵۴م.
عنوان و نام پدیدآور	جمهوری آذربایجان: چگونگی شکل گیری و وضعیت کنونی آن/ نویسنده محمد امین رسولزاده؛ ترجمه تقی سلامزاده.
مشخصات نشر	تهران: شیرازه کتاب ما، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری	چهارده، ۱۵۲ص.
فروست	قفقاز و آسیای میانه؛ ۱.
شابک	۷-۲۱-۷۴۸۹-۶۲۲-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یادداشت	چاپ قبلی: پردیس دانش، ۱۳۹۲.
موضوع	آذربایجان (جمهوری) Azerbaijan (Republic) آذربایجان (جمهوری) -- تاریخ Azerbaijan (Republic) -- History سلامزاده، تقی، ۱۳۵۲ -، مترجم
شناسه افزوده	۳/DK۶۹۲
رده بندی کنگره	۵۴/۹۴۷
رده بندی دیویی	۸۸۷۱۴۰۷
شماره کتابشناسی ملی	



جمهوری آذربایجان

چگونگی شکل گیری و وضعیت کنونی آن

نویسنده: محمدامین رسولزاده

مترجم: تقی سلامزاده

انتشارات: شیرازه کتاب ما

تیراژ: ۳۳۰ نسخه

چاپ اول: تیر ۱۴۰۱

حق چاپ و نشر محفوظ است.

تهران، صندوق پستی: ۱۱۱-۱۳۱۴۵

تلفن: ۸۸۹۵۲۲۹۷ فکس: ۸۸۹۵۱۶۹۱

همراه: ۹۰۳۶-۹۵۰۰۱۸۲

سایت: www.shirazehketab.com

فهرست مطالب

یادداشت دبیر مجموعه	هفت
پیشگفتار مترجم	هفده
یک ملاحظه (مقدمه علی حسین زاده)	۱
مقدمه	۳
مردم آذربایجان	۹
بیداری ادبی و ملی	۱۳
جنگ جهانی و انقلاب کبیر	۳۱
کمک برادرانه ترکیه	۴۷
نتایج متارکه موندروس در قفقاز	۵۹
مجلس نمایندگان و اقدامات آن	۶۳
در آستانه حوادث مهم	۸۳
استیلای بلشویکی	۹۱
امیر یالیسم سرخ	۱۲۱
ایده استقلال	۱۳۱
فهرستی از شهیدان آذربایجان	۱۳۵
تصاویر	۱۳۵
فهرست اعلام	۱۴۵

یادداشت دبیر مجموعه

محمد امین رسولزاده در توضیح علل و موجبات نگارش این کتاب - جمهوری آذربایجان، چگونگی شکل‌گیری و وضعیت کنونی - از عارضه‌ای یاد می‌کند که یک سوی آن در پیوند تنگاتنگ سرگذشت و مقدرات ملل شرق و به‌ویژه جهان اسلام با یکدیگر ریشه دارد و سوی دیگرش نیز در بی‌اطلاعی نسبتاً کامل این ملل از هم؛ و در تأکید بیشتر بر کاستی‌های ناشی از این بی‌اطلاعی و لزوم رفع آن، در مقابل به دانش شرق‌شناسی اروپائیان اشاره دارد و این‌که شرق‌شناسی نه فقط به مباحثی چون زبان‌شناسی و تاریخ و ادبیات محدود و منحصر نبوده، بلکه جریانات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی روز به روز شرق را نیز شامل می‌شود (صص ۴-۵ همین کتاب).

با آن‌که حدود هشتاد سال از این تذکر و یادآوری می‌گذرد ولی متأسفانه هنوز هم در این وضعیت تغییری به وجود نیامده است؛ دلیل اصلی ترجمه و انتشار جمهوری آذربایجان به زبان فارسی و اصولاً طرح مجموعه‌ای تحت عنوان «آسیای میانه و قفقاز» که نوشته مزبور نخستین مجلد آن به شمار می‌رود نیز چیزی نیست مگر اقدامی در این جهت و سعی و تلاشی هرچند محدود در رفع یک چنین بی‌اطلاعی‌هایی.

همان‌گونه که از بررسی بخش‌هایی از مفاد این کتاب ملاحظه خواهد شد بی‌توجهی نسبی در قبال تحولات ماضی و جاری بسیاری از حوزه‌های همسایه فقط حاصل نوعی تساهل و اهمال کلی نبوده، دلایل

مشخص و قابل بحثی نیز دارد؛ یکی از مهمترین این دلایل، ناخوشایند بودن بسیاری از تحولات و رخدادهای مزبور از منظر احساسات ملی ما ایرانیان است؛ در این عرصه معمولاً سخن از سرگذشت مناطقی در میان است که تا چندی پیش در حوزه قلمرو اداری و حکومتی کشور قرار داشتند و بنا به پیش آمد رخدادها و تحولاتی که معمولاً میلی به بحث و بررسی آن‌ها نداریم، از این حوزه اصلی جدا شده‌اند. رویارویی با یک چنین دگرگونی‌هایی که در چارچوب‌های کم و بیش متفاوتی در سایر حوزه‌های همسایه نیز جریان داشته‌اند به هیچ وجه موافق طبع ما نبوده و نیستند. هنوز هم به وقت بحث و فحص تحولات این عرصه سخن از پیوندهای مشترک در میان است و علائق دیرین گذشته؛ علائق و پیوندهایی که ممکن است در منظری کهن و تاریخی مصداق داشته باشد ولی به هیچ روی مناسبت و مناسبات فعلی نیست.

تحولات و رخدادهایی که در این سال‌های جدایی بر این عرصه، و به ویژه حوزه قفقاز حادث شده، در کنار دگرگونی ژرف و گسترده جوامع این حدود، مناسبات پیشین را نیز به کلی دگرگون ساخته است. ولی نه فقط هنوز از این تغییر و دگرگونی دانش و آگاهی درخور توجهی در دست نداریم که از تأثیر اجتناب‌ناپذیر آن‌ها بر مناسبات و روابط پیشین نیز بی‌اطلاعم.

تا زمانی که این مناسبات نه به صورت مستقیم بلکه بیشتر در حاشیه روابط ایران و روسیه جریان داشت - یعنی دوره‌ای حدود یک قرن و اندی - عیب کار چندان آشکار نبود، ولی اشکال اصلی هنگامی پدید آمد که با فروپاشی امپراتوری شوروی، این حوزه که تا پیش از این نه به صورت مستقیم، بلکه به عنوان بخشی از مدار مناسبات مسکو با دیگر کشورهای جهان عمل می‌کرد به ناگاه هویتی مستقل یافته، رویکردی مستقل و علی‌حده را نیز طلب نمود. چنین رویکردی مستلزم دانش و

آگاهی لازم از سوابق و پیشینه شکل‌گیری این هویت مستقل بود. چنین آگاهی و دانشی وجود نداشت و هنوز هم وجود ندارد و یکی از دلایل اصلی دشواری‌های ده سال اخیر در شکل دادن به یک خط مشی سنجیده در قبال کشورهای تازه استقلال‌یافته قفقاز و آسیای میانه نیز در همین امر نهفته است.

تنها با ملاحظه و مطالعه آثار چوَن جمهوری آذربایجان رسول‌زاده است که ابعاد فوق‌العاده گسترده این جهل و بی‌اطلاعی ما خود را نشان می‌دهد. بخش مهمی از این بررسی به توضیح چگونگی شکل‌گیری رشته تحولات سیاسی و فرهنگی‌ای اختصاص دارد که در فاصله سال‌های پایانی قرن نوزدهم میلادی تا سال‌های نخست قرن بعدی، موجب آن شد که تعلقات ایرانی حاکم بر ذهن و جهان‌بینی مسلمان‌های شمال ارس به تدریج رنگ‌بخته، راه بر چیرگی گرایشی باز گردد که از آن به عنوان ترک‌گرایی یاد می‌شود.

اهمیت اساسی این کتاب، گذشته از ارزش تاریخی آن در توصیف تحولات و رخداد‌های گوناگونی که به شکل‌گیری جمهوری آذربایجان منجر شد که در بخش بعدی این یادداشت به جوانبی از آن اشاره خواهد شد، بیشتر در تبیین نوع استدلال و تفسیر خاصی از سرگذشت فرهنگی این سامان است که در نهایت زمینه‌ساز دگرگونی مزبور گشت.

در یک مقطع از تحولات آن خطه، یعنی در پی ضربه حاصل از چیرگی روس‌ها بر قفقاز و در تلاش شناسایی علل پیش‌آمد مزبور و یافتن راه چاره‌ای بر آن، گروهی از روشنفکران مسلمان به این نتیجه رسیدند که شاید اشکال عمده در آن بوده است که «... خان‌نشین‌های آذربایجان هنوز هویت خویش را آنچنان که باید و شاید درک نکرده بودند و سیمای ملی‌ای که نشانه ادراک خویششان باشد بروز نداده بودند...» و در ادامه این بحث، خاطرنشان ساختند که «... این خان‌نشین‌ها کاملاً تحت سلطه

فرهنگی و نفوذ معنوی ایران به سر می‌بردند...» (ص ۱۱) حال آن‌که به زعم آن‌ها یک چنین وضعیتی با واقعیت امر مطابقت نداشت؛ «نه، این - [ایرانیت] - واقعیت ندارد، شما ترک هستید!» (ص ۱۲).

رسول‌زاده، بر همین اساس و در ادامه این نوع استدلال، دلایل پیش‌آمد یک چنین وضعی را نیز توضیح داد؛ این‌که چگونه مردم آذربایجان در طول تاریخ و در این چارچوب ایرانی «... نه مانند یک ملت محکوم، بلکه به صورت عنصر حاکم زندگی می‌کردند... محکومیت حقیقی خویش را - یعنی محکوم بودن به فرهنگی که معنویاتی متفاوت دارد - درک نمی‌کردند... رفته رفته دچار فارسی‌زدگی می‌شدند.» (ص ۱۳).

به نوشته رسول‌زاده در پی چیرگی روس‌ها بر قفقاز نه فقط این دوگانگی ادامه یافت، بلکه یک عنصر جدید نیز بر آن اضافه شد؛ در کنار «میرزا» - نماد عنصر کماکان ایرانی‌گرای قفقازی -، یک «اوچیتل» - [معلم به زبان روسی] - بیدار شد؛ عناصر متجدد حاصل از سیاست‌های روسی‌گردانی غالب حال آن‌که از نظر رسول‌زاده هر دوی این عنصر اشتباه می‌کردند: «... «میرزا» که رمانی در برابر رمانتیسیم فردوسی، حکمت ژرف سعدی و غزل‌های شیرین حافظ از خود بی‌خود می‌شد، این بار تبدیل به یک «اوچیتل» شده بود که مجذوب و عاشق روح بلند لرمونتوف، نطق روان پوشکین و فلسفه مسیحانه تولستوی گشته بود. سال‌ها گذشت؛ «میرزا» در یک طرف خط و «اوچیتل» در طرف دیگر خط باقی ماندند. این‌ها دیرزمانی نتوانستند به تفاهم برسند. مدت مدیدی «اوچیتل» روس‌زده همچون «میرزا» ی فارسی‌زده از درک مطلبی که مردم قلباً پی به آن برده بودند عاجز ماند...» (ص ۱۸) تا آن‌که در خلال تحولات بعدی یعنی زوال نظام اقتصادی کهن از یک سو و تحرکاتی که رسول‌زاده از آن به عنوان «بیداری ادبی و ملی» یاد می‌کند، از سوی دیگر، هویت ملی دیگری شکل گرفت که با تکیه بر زبان رایج در آن حدود ترک‌گرا بود.